

کاوشی در جایگاه قرآن در جامع بخاری*

□ سیدعلی سجادی‌زاده^۱

چکیده

جامع بخاری به عنوان مهم‌ترین کتاب نزد بخش گسترده‌ای از مسلمانان شایسته توجه است. چگونگی استفاده بخاری از کتاب خدا در جامع خویش و ویژگیهای قرآن در این کتاب پرسشی است که این نوشتار در صدد پاسخ به آن است. به رغم اینکه بخاری در عرصه‌هایی چون خداشناسی دچار خطا گشته و احادیثی را آورده که با قرآن همخوانی ندارد، ولی در بخشهای دیگری چون فقه، ابتکار او در عنوان‌گیری از آیات قرآن در جامع خویش و استفاده از قرآن به شیوه‌های مختلف شایسته توجه است، ولی از بین دانشمندان برجسته با گرایش به حدیث تنها علامه بزرگوار مجلسی است که در استفاده از قرآن و توجه به آن از بخاری پیشی گرفته است. واژگان کلیدی: بخاری، صحیح بخاری، قرآن، ویژگیها، استفاده از قرآن.

درآمد

بیشتر، کتاب جامع بخاری را به عنوان جامع حدیثی می‌شناسند و از ابعاد دیگر آن؛ چون تفسیر، به ویژه مفردات قرآن و احادیث تفسیری، فقه و حضور پررنگ قرآن در آن، در ابواب عبادات و معاملات غفلت می‌شود. درباره فقه بخاری گفته شده که «فقه البخاری فی تراجمه» (حاجی خلیفه، بی‌تا: ۵۴۳/۱)، فقه بخاری را در عناوین ابواب او می‌توان یافت. کتاب جامع بخاری، معروف به صحیح بیش از ۳۸۰۰ عنوان باب دارد که در حدود ۵۰۰ عنوان از آیات قرآن استفاده کرده است و بیش از ۶۰۰ مورد، به آیه یا آیاتی از قرآن استدلال کرده است.

ابتکار بخاری و اهتمام او به قرآن با گشودن صدها باب و عنوان قرار دادن آیات قرآن، باید مورد توجه قرار بگیرد، همان‌گونه که ابتکار او در تدوین جامع حدیثی مورد توجه بوده است. پیش از بخاری و پس از او هیچ کس به این‌گونه و به این گستردگی در کتاب حدیث و فقه بلکه حتی در کتب آیات الاحکام، به آیات قرآن توجه نداشته است، مگر علامه محمدباقر مجلسی در کتاب *بحارالانوار*.

برای نشان دادن جایگاه قرآن در جامع بخاری عناوین ابوابی که آیاتی از قرآن در آنها آمده است؛ اعم از اینکه بخاری صرف آیه را به عنوان باب آورده یا به آیه یا آیاتی برای اثبات حکم استدلال کرده است، بررسی می‌شود. نوشتار حاضر در دو بخش موضوع را پی می‌گیرد: نخست به گونه‌های استفاده بخاری از آیات در عناوین ابواب و سپس به ویژگیهای فقه قرآنی در جامع بخاری می‌پردازد.

گفتار اول: گونه‌های استفاده از قرآن در جامع بخاری

الف. قرار دادن آیه یا آیاتی از قرآن در عنوان باب

ب. استدلال به آیه یا آیاتی از قرآن

ج. عنوان باب حکمی از احکام و عطف آیه یا آیاتی از قرآن

الف) قرار دادن آیه یا آیاتی از قرآن به عنوان باب

ابواب فراوانی از جامع بخاری با آیه یا آیاتی از قرآن عنوان‌گذاری شده است.

انعکاس قرآن در این بخش عناوین بیشترین حجم توجّه بخاری به قرآن را نشان می‌دهد. در بیش از چهارصد باب، عنوان باب به آیه یا آیاتی از قرآن اختصاص داده شده و پس از آن به تفسیر لغوی یا ذکر حدیث و اثر در ذیل آن پرداخته شده است. چند نمونه را یاد می‌کنیم:

باب ﴿فَإِنْ تَأْتُوا الْقُرْآنَ فَقُلُوا سَلَامٌ عَلَيْهِ﴾ (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۱/۱).

باب قول الله تعالی ﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (همان: ۴۰/۱).

پس از ذکر آیه، حدیثی از ابن مسعود درباره شأن نزول آن می‌آورد.

باب قوله تعالی ﴿وَإِذْ نَادَىٰ مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ (همان: ۱۰۳/۱).

باب قول الله تعالی ﴿مَنْبِئِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (همان: ۱۳۳/۱).

در ذیل آن حدیث «وفد عبد القیس» را یاد می‌کند.

باب قول الله تعالی ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ﴾ (همان: ۲۲۵/۱).

ب) استدلال به آیه یا آیاتی از قرآن

وی در ابواب فراوانی پس از ذکر عنوان و به تعبیری مسئله فقهی به آیه یا آیاتی از قرآن استدلال کرده است. حدود ۶۰ مرتبه با تعبیر «لقوله تعالی» و ۱۶ مرتبه با تعبیر «القول الله تعالی» به آیات استشهاد کرده است. به بررسی چند نمونه از این دسته می‌پردازیم:

۱. لزوم فراگیری قبل از گفتار و کردار

در «باب العلم قبل القول والعمل» (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۵/۱) برای لزوم علم و فراگیری به پنج آیه شریفه از قرآن کریم استدلال کرده است و در اثنای آن به دو حدیث نبوی اشاره نموده است، این آیات عبارتند از:

- ﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (محمد/ ۱۹)؛ بدان که معبودی جز الله نیست.

- ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾ (فاطر/ ۲۸)؛ تنها بندگان دانشمند از خدا می‌ترسند.

- ﴿وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالَمُونَ﴾ (عنکبوت/ ۴۳)؛ جز دانایان آن را (مثالها) درک نمی‌کنند.

- ﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (ملک/ ۱۰)؛ (اهل دوزخ) می‌گویند: اگر

ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم در میان دوزخیان نبودیم.

- ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر/ ۹)؛ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی

که نمی‌دانند یکسانند؟

بررسی

لزوم فراگیری و طلب علم امری مسلّم است، اما خوب بود به آیات دیگری از قرآن که دلالت آن روشن‌تر و واضح‌تر است؛ از جمله آیاتی که به صراحت، امر به «اعلموا» خطاب به جمع در آنها آمده است، استدلال می‌کرد و از سنت نیز احادیث فراوانی به طور صریح بر وجوب طلب علم دلالت دارد، ولی از آنجا که مبنای بخاری در تحدیث جمود بر سند است و ظاهراً سند این احادیث را ضعیف می‌دانسته (ر.ک: هیثمی، ۱۴۰۸: ۱۱۹/۱)، از آوردن آن دریغ نموده است.

۲. لزوم پذیرش گفتار بانوان در امور مرتبط با آنان

در «باب إذا حاضت فی شهر ثلاث حیض وما یصدّق النساء فی الحیض والحمل و فیما یمکن من الحیض» (بخاری، ۱۴۰۱: ۸۴/۱) برای امکان حیض شدن خانم سه مرتبه در ماه (به منظور اتمام عدّه) و تصدیق بانوان در آنچه نسبت به عادت ماهانه و حاملگی ادّعا می‌کنند به آیه شریفه قرآن استدلال کرده است: ﴿وَلَا یَحِلُّ لهنَّ أَنْ یکتُمْنَ ما خلق الله فی أرحامهنَّ﴾ (بقره/۲۲۸)؛ برای آنان (زنان مطلقه) حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند.

در واقع هنگامی که کتمان بانوان از دید قرآن نارواست، پس دیگران به پذیرش گفتار آنان در امور و مسائل مرتبط با آنها، موظف می‌باشند. این نکته مورد پذیرش فقیهان امامی نیز می‌باشد. مرحوم شیخ طوسی آیه را در مورد حیض و حمل می‌داند (۱۳۸۷: ۹۹/۵).

۳. فریضه بودن نماز جمعه

در باب «فرض الجمعة» (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۱۱/۱) برای فریضه بودن نماز جمعه به آیه قرآن استدلال می‌کند: ﴿إِذْ أُنذِرُوا لِلصَّلَاةِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِکْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَیْعَ ذَٰلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (جمعه/۹).

و در باب دیگری نسبت به اینکه از چه مسافتی برای جمعه باید شرکت کرد و

اینکه جمعه بر چه کسانی واجب است، مجدداً به آیه فوق استدلال می‌کند (همان: ۲۱۶/۱) که البته بدون استناد به سنت حکم فوق از آیه استنباط نمی‌شود و لذا در ادامه بخاری به سیره برخی از صحابه استدلال کرده است (همان).

۴. زمان قضای روزه ماه مبارک رمضان

در باب «متی یقضی قضاء رمضان» (همان: ۲۳۹/۲) استدلال ابن عباس را به آیه قرآن مبنی بر اینکه مانعی ندارد قضا به صورت پراکنده به جا آورده شود، یاد می‌کند: «وقال ابن عباس: لا بأس أن يفرق لقول الله تعالى: ﴿فَعَلَّحَ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾» (بقره/۱۸۴). در فقه امامیه مکلف را نسبت به تتابع یا تفریق در قضای ماه رمضان مخیر دانسته‌اند و برخی قائل به افضلیت تتابع به طور مطلق شده‌اند (حلی، ۱۴۱۳: ۵۵۱/۳).

۵. عدم پذیرش صدقه خائن

در باب «لا یقبل الله صدقة من غلول ولا یقبل إلا من کسب طیب» (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۱۲/۲) فقط به آیه قرآن استشهاد می‌کند: «قول معروف ومغفرة خیر من صدقة یتبعها أذى واللّه غنی حلیم» (بقره/۲۶۳)؛ گفتار پسندیده و عفو از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد بهتر است و خداوند بی‌نیاز و بردبار است.

۶. ریا در صدقه

در باب «الریاء فی الصدقة» (همان) برای حکم مسئله تنها به آیه قرآن استدلال می‌نماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمال والأذى...» (بقره/۲۶۴)؛ ای کسانی که ایمان آوردید بخششهای خود را با منت و آزار باطل نسازید.

۷. صدقه از کسب پاکیزه

در باب «الصدقة من کسب طیب» (همان) به دو آیه که دلالت آن به صورت ضمنی است اشاره می‌نماید: «ویری الصدقات واللّه لا یحب کل کفار ائیم* إن الذین آمنوا و عملوا الصالحات وأقاموا الصلاة وآتوا الزکاة هم أجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون» (بقره/۲۷۶-۲۷۷)؛ خداوند صدقات را افزایش می‌دهد و هیچ انسان ناسپاس گناهکاری را دوست ندارد. کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده و نماز را بر پا داشته و زکات را پرداخته‌اند،

اجرشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.

۸. بهترین صدقه

در باب «أى الصدقة أفضل وصدقة الشحيح الصحيح» (همان: ۱۱۵) در اینکه کدام صدقه افضل است به دو آیه شریفه استدلال می‌کند:

- «وأنفقوا مآثر زقنآکم من قبل أن یأتی أحدکم الموت» (منافقون / ۱۰)؛ از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از اینکه مرگ به سراغ شما بیاید.

- «یا ایها الذین آمنوا أنفقوا مآثر زقنآکم من قبل أن یأتی یوم لا ینفع فیہ» (بقره / ۲۵۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن نه خرید و فروش است.

۹. صدقه آشکار

در «باب الصدقة العلانية» (همان) تنها به آوردن آیه شریفه اکتفا می‌کند: «الذین ینفقون أموالهم باللیل والنهار سرّاً وعلانیة... ولا هم یحزنون» (بقره / ۲۷۴)؛ کسانی که مالهایشان را در شب و روز، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، اجرشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند.

۱۰. منت گذاشتن در عطا

در باب «المنان بما أعطی» (همان: ۱۱۸) بدون اینکه حکم موضوع را بیان کند و یا به حدیثی استدلال نماید، تنها به آوردن آیه که گویا دلالت آن را روشن و واضح می‌بیند، بسنده می‌کند: «الذین ینفقون أموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما أنفقوا ممآئاً ولا أذی» (بقره / ۲۶۲)؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند؛ سپس نسبت به انفاقی که کرده‌اند متنی نمی‌گذارند و آزاری نمی‌رسانند پاداش آنها نزد پروردگارشان محفوظ است.

۱۱. پرداخت صدقه کاسبی و تجارت

در باب «صدقة الکسب والتجارة» (همان: ۱۲۱) به این مطلب توجه می‌دهد که چه صدقه‌ای اهمیت دارد و قابل اعتناست: «یا ایها الذین آمنوا أنفقوا من طیبات ما کسبتم و ممآً خرجنا لکم من الأرض...» (بقره / ۲۶۷)؛ ای اهل ایمان، از اموال پاکیزه‌ای که از طریق تجارت

به دست آورده‌اید و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم انفاق کنید.

۱۲. ارث بردن از خانه‌های مکه و خرید و فروش آن

در باب «توریت دور مکه و بیعها و شراؤها وأن الناس فی المسجد الحرام سواء خاصة» (همان: ۱۵۷) برای مشروعیت ارث بردن از خانه‌های مکه و جواز خرید و فروش آن و اینکه تنها مسجد الحرام متعلق به عموم مردم است به آیه شریفه قرآن تمسک می‌کند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءَ الْعَاكِفِ فِيهِ وَالْبَادِ مِنْ يَدَيْهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نَذَقَهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (حج/ ۲۵)؛ کسانی که کافر شدند و مؤمنان را بازداشتند از راه خدا و مسجد الحرام که آن را برای همه مردم برابر قرار دادیم، چه کسانی که آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند، (مستحق عذابی دردناکند) و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند از عذابی دردناک به او می‌چشانیم.

در واقع تنها مسجد الحرام را متعلق به عموم مردم می‌داند.

بررسی مسئله در فقه امامیه

فقیهان امامی نسبت به خرید، فروش، اجاره و بالتبع ارث خانه‌های مکه دیدگاه یکسانی ندارند، برخی قائل به حرمت و گروهی قائل به کراهت آن هستند. به گزارش علامه در *مختلف الشیعه*، ابن جنید قائل به حرمت است و عبارت ابن براج اشعار به تحریم دارد. ولی خود علامه قائل به کراهت است. برخی از کسانی که قائل به حرمت می‌باشند چون ابن براج به آیه شریفه ﴿سواء العاکف فیه والباد﴾ استدلال کرده‌اند (ولی ابن ادریس استشهاد به آیه را ضعیف می‌داند و به اجماع اصحاب و اخبار متواتر آنها استناد می‌کند و ضمیر در آیه را به خصوص مسجد الحرام و نه تمام مکه برمی‌گرداند) و نیز به آیه دیگری از قرآن ﴿لا تدخولوا بیوتاً غیر بیوتکم﴾ که ورود به غیر منزل شخصی را بر دیگران ممنوع کرده است (حلی، ۱۴۱۳: ۴/۳۶۶-۳۶۷).

۱۳. جواز سوار شدن بر شتر قربانی

در باب «رکوب البدن» (بخاری، ۱۴۰۱: ۲/۱۸۰) برای جواز سوار شدن بر شتر قربانی به

آیه شریفه تمسک می کند: ﴿وَالْبَدَنَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا خَيْرًا...﴾ (حج/ ۳۶)؛ و شترهای فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر است. در حدّ تبع نگارنده در کتب فقهی اهل سنت به جز بخاری و به تبع او شارحان کتاب، کسی به آیه شریفه نسبت به حکم فوق استدلال نکرده است. فتوای مشهور در فقه امامیه نیز جواز سوار شدن بر شتر قربانی است، ولی به آیه استدلال نشده است؛ بلکه به احادیث رسیده از معصومان عليهم السلام استدلال کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۷: ۳۰۸/۷).

۱۴. روزه وصال؛ حکم و ماهیت آن

در باب «الوصال و من قال لیس فی اللیل صیام» (بخاری، ۱۴۰۱: ۲۴۲/۲) برای جایز نبودن روزه وصال به آیه شریفه تمسک می کند: ﴿ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ (بقره/ ۱۸۷). دیدگاه شیعه حرمت صوم وصال است (اجماع و احادیث شیعه بر همین است) (حلی، ۱۴۱۳: ۳/۳۷۰) و در تعریف و تفسیر موضوع آن اختلاف شده است. دیدگاه اکثر این است که نیت روزه یک روز و یک شب را تا سحر بنماید و علاوه بر احادیث به آیه شریفه ﴿ثُمَّ أَتَمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ استدلال شده است (نجفی، ۱۳۶۵: ۱۲۶/۱۷-۱۲۸).

۱۵. اعتکاف در همه مساجد

بخاری در باب «الاعتکاف فی العشر الأواخر والاعتکاف فی المساجد کلّها» (۱۴۰۱: ۲۵۵/۲) برای جواز اعتکاف در همه مساجد به این آیه شریفه تمسک می کند: ﴿وَلَا تَبْشُرُوهُمْ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يبين الله آياته للناس لعلهم يتقون﴾ (بقره/ ۱۸۷)؛ در حالی که در مساجد معتکفید، با زنان آمیزش نکنید، این مرزهای الهی است به آن نزدیک نشوید. در اینکه آیا اعتکاف در همه مساجد رواست یا مشروط به مکان ویژه‌ای است، بین فقیهان شیعه اختلاف است، مرحوم ابن عقیل قائل به دیدگاه اول است (حلی، ۱۴۱۳: ۳/۴۳۹؛ نجفی، ۱۳۶۵: ۱۷/۱۷۰).

۱۶. کیل و وزن بر عهده باع

فقیهان اهل سنت به این مسئله توجه داده‌اند که پیمانانه و وزن میع بر عهده فروشنده و ثمن بر عهده خریدار است و برای این حکم به آیاتی از قرآن و احادیثی استدلال

کرده‌اند. ابن عربی در احکام القرآن به آیه ﴿فَأَوْفُوا الْكَيْلَ﴾ (یوسف / ۸۸) تمسک کرده است (بی‌تا: ۷۶/۳). ابن عطیة اندلسی نیز استدلال به آیه یادشده را به مالک نسبت می‌دهد (۱۴۱۳: ۲۷۶/۳). قرطبی در احکام القرآن به این آیه و آیه ﴿وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ﴾ (اسراء / ۳۵) استدلال کرده است (۱۴۰۵: ۲۷۵/۱۰)، اما در حدی که نگارنده تتبع نمود به جز بخاری هیچ کس به آیه ۳ سوره مطفین استدلال نکرده است؛ وی در باب «الکیل علی البائع والمعطی» این آیه را آورده است: ﴿وَإِذَا كَلْتُمْ أَوْزَنُوا مِمَّنْ يَخْسِرُونَ﴾ (مطفین / ۳)؛ هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می‌گذارند. یعنی کالوا لهم أو وزنوا لهم کقولہ یسمعونکم یسمعون لکم (۱۴۰۱: ۲۱/۳).

ج. عنوان باب، حکمی از احکام و عطف آیه یا آیاتی از قرآن به آن

در عنوان ابواب فراوانی از جامع بخاری حکمی از احکام یا موضوعی از موضوعات احکام شرعی یا واژه‌ای آورده شده است و سپس آیه یا آیاتی از قرآن درباره آن حکم یا موضوع یا واژه ذکر شده است که ظاهر آن استدلال به آیه است. به ذکر چند نمونه از این دسته اکتفا می‌کنیم:

۱. اعتبار بخشی به عرف

«باب من أجرى أمر الأمصار علی ما يتعارفون بینهم فی البیوع والإجارة والمکیال والوزن وسننهم علی تیاتهم ومذاهبهم المشهورة... ﴿ومن كان فقیراً فلیأکل بالعرف﴾^۱ (نساء / ۶)» (همان: ۳۶).

یک نظریه در تحقق اموری از قبیل خرید، فروش، اجاره، کیل و وزن در هر جامعه رجوع به سنتهای متعارف و مشهور بین ایشان است. در واقع بخاری با استشهاد به آیه شریفه این نظریه را مستدل می‌نماید.

۲. برقراری عدالت در بین زنان

«باب العدل بین النساء ﴿ولن تستطيعوا أن تعدلوا بین النساء﴾ إلی قوله ﴿واسعاً حکماً﴾ (نساء / ۱۳۳)» (همان: ۱۵۴).

۱. و فرد نیازمند به طور شایسته (و مطابق زحمتی که می‌کشد و متعارف است) از آن (مال یتیم) بخورد.

بررسی

در این باب فقط به عنوان باب و بیان آیه در ذیل آن بسنده شده است؛ هیچ‌گونه توضیحی داده نشده و حدیثی نیز در ذیل آن آورده نشده است. یکی از آیات قرآن که نیازمند تفسیر و توضیح می‌باشد، همین آیه است. چه آنکه خداوند در آیه‌ای پس از امر به تعدد زوجات می‌فرماید: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً﴾ (نساء/ ۳) و در این آیه به صورت قاطع می‌فرماید: هرگز نمی‌توانید بین زنان عدالت برقرار کنید.

در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام این تعارض ظاهری حل شده است به اینکه منظور از عدالت در آیه اول، عدالت در نفقه و تقسیم است، ولی در این آیه عدالت در محبت و دوستی است (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۶۲/۵).

۳. سلام اسمی از اسماء خدا

باب «السلام اسم من أسماء الله تعالی» ﴿وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِحَيَّةٍ فَخَبُّوا بِأَحْسَنِ مِنْهَا وَأوردوها﴾ (نساء/ ۸۶) (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۲۷/۷).

مناسب این بود که بخاری در این باب آیه ۲۳ سوره حشر را می‌آورد، این آیه ظهور در عنوان باب ندارد و در ذیل آن استدلالی هم بر این مطلب نشده است.

۴. یک بار شستن فرض و وضو

در کتاب الوضوء نخستین بابی که عنوان نموده این باب است:

باب ما جاء في قول الله تعالى ﴿إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مائدة/ ۶). قال أبو عبد الله وبين النبي صلى الله عليه وآله أن فرض الوضوء مرة مرة (همان: ۴۲/۱).

طبق گزارش و اظهار نظر بخاری، آنچه را خداوند الزام کرده است و پیامبر صلى الله عليه وآله تبیین و تفسیر نموده است یک بار شستن هر یک از اعضای وضوست. پس از آن بیان می‌کند که پیامبر صلى الله عليه وآله دو مرتبه و سه مرتبه هم وضو گرفته است.

۵. انحصار مبطلات وضو به آنچه از دو مخرج بول و غائط خارج می‌گردد
«باب من لم ير الوضوء إلا من المخرجين القبل والدبر بقوله تعالی ﴿أَوْجَاء أَحَدٍ مِنْكُمْ

من العائط...» (نساء/ ۴۳) (همان: ۵۱/۱). بخاری در عنوان باب ضمن اشاره به دیدگاه فوق، دلیل آن را گفته خداوند متعال می آورد.

۶. جواز هبه زن به غیر شوهر

«باب هبة المرأة لغير زوجها... ﴿ولا تؤنوا السفهاء أموالكم...﴾ (نساء/ ۵)» (همان: ۱۳۵/۳). باب جواز هبه زن به غیر شوهر در صورتی که سفیه نباشد و عدم جواز در صورتی که سفیه باشد و دلیل آن آیه شریفه است.

فقیهان در انفاق زن به غیر شوهر بدون اذن او اختلاف دارند ولی دقت بخاری در تفصیل یادشده قابل توجه است. شیخ طوسی در دو مسئله از کتاب خلاف به این بحث اشاره دارد، ولی از این تفصیل در آن خبری نیست (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۸۶/۳).

گفتار دوم: ویژگیهای فقه قرآنی در جامع بخاری

الف. حضور پررنگ قرآن در جامع بخاری

این مطلب با تبعی مختصر فقط در عناوین ابواب بخاری چنانکه گذشت روشن می شود.

ب. ابتکار و پیشگامی در استدلال به برخی از آیات

۱. هدیه به مشرکان

در باب هدیه به مشرکان، به این آیه شریفه استشهاد کرده است: ﴿لاینهاک الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم ینخرجوکم من دیارکم ان تبرؤم﴾ (ممتحنه/ ۸)؛ خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکرده اند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند.

این موضوعی است که در حد تتبع در کتب فقه شیعه تا قرن هشتم عنوان نشده است. بله جواز صدقه بر کافر و وصیت و وقف نسبت به ذمی در بعضی از کتب علامه حلی با استشهاد به آیه یاد شده آمده است (ر.ک: حلی، ۱۴۱۴: ۲/۴۲۶-۴۲۹ و ۴۶۴).

۲. جواز سوار شدن بر شتر قربانی

در باب «رکوب البُدن» (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۸۰/۲) برای جواز سوار شدن بر شتر قربانی به این آیه شریفه تمسک می‌کند: ﴿وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ...﴾ (حج / ۳۶)؛ و شترهای چاق و فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر و برکت است....

چنانکه گذشت در کتب فقهی اهل سنت و شیعه به جز بخاری و به تبع او شارحان کتاب، کسی به آیه شریفه نسبت به حکم فوق استدلال نکرده است.

ج. برداشت و استفاده حکم فقهی از آیات قصص قرآن

از نکات جالب توجه در فقه بخاری استفاده، استدلال و برداشت او از آیات مربوط به قصه‌های قرآن است.

یکی از این موارد استدلال به آیه ۲۹ از سوره مبارکه مریم می‌باشد. در «باب اللعان» بعد از ذکر آیه ﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ...﴾ این‌کان من الصادقین ﴿نور / ۶-۹﴾ که مربوط به اصل حکم است، می‌نویسد:
فَإِذَا قُذِفَ الْأَخْرَسُ امْرَأَتَهُ بَكْتَابَةً أَوْ إِشَارَةً أَوْ إِيْمَاءً مَعْرُوفٍ فَهُوَ كَالْمَتَكَلِّمْ؛ لِأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَدْ أَجَازَ الْإِشَارَةَ فِي الْفَرَائِضِ (همان: ۱۷۷/۶).

اگر فرد لال همسرش را با نوشتار یا گفتار یا اشاره متهم به عمل ناشایست بنماید، مانند فرد گویاست و دلیل می‌آورد که نبی ﷺ این مطلب (اشاره) را در واجبات اجازه فرموده است و بعد از اشاره به اینکه این مطلب دیدگاه بعضی از اهل حجاز و اهل علم است، آیه شریفه ﴿فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نَكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾ (مریم / ۲۹) را می‌آورد.

د. تفسیر آیه یا واژه‌ای از قرآن به وسیله آیه دیگر

در باب رفتن به نماز جمعه (همان: ۲۱۷/۱) به آیه ﴿فَأَسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ﴾ (جمعه / ۷) گفته کسی را می‌آورد که سعی را کار و رفتن می‌داند و استدلال می‌کند به قول خداوند تعالی ﴿وَسَعَىٰ لَهَا سَعِيهَا﴾ (اسراء / ۱۹).

نیز در ذیل آیه نفر می‌گوید:

وَيَسْمَى الرَّجُلُ طَائِفَةً لِقَوْلِهِ تَعَالَى ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا﴾ (توبه / ۱۲۲). فلو اقتتل

رجلان دخلا فی معنی الآیة (همان: ۱۳۲/۸)؛ یک نفر طایفه نامیده می‌شود؛ به دلیل گفته خداوند: «اگر دو طایفه از مؤمنان جنگیدند». بنابراین اگر دو مرد با یکدیگر بجنگند، در معنای آیه داخل خواهند بود.

ه. تصحیح لفظ حدیث و ترجیح یک واژه بر واژه دیگر با استشهاد

به قرآن

در باب «ذکر العشاء و العتمة» (همان: ۱۴۱/۱) از ابوهریره چنین روایت می‌کند: «أثقل الصلاة على المنافقين العشاء والفجر وقال لو يعلمون ما فى العتمة والفجر؛ سنگین‌ترین نماز بر منافقان نماز عشا و صبح است، و فرمود اگر می‌دانستند چه (ثوابی) در این دو نماز است (بر آنها سنگین نمی‌آمد).

آنگاه بخاری می‌نویسد:

قال أبو عبد الله [منظور خود بخاری است]: والاختيار أن يقول العشاء لقوله تعالى ﴿ومن بعد صلاة العشاء﴾ (نور/ ۵۸)؛ انتخاب این است که بگوید: «العشاء»؛ زیرا خداوند تعبیر صلاة عشاء را به کار برده است.

و. تصحیح برداشت درست از حدیث با تمسک به قرآن

در بابی که حدیث «يَعْدَبُ الْمَيْتَ بَعْضُ بَكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ» (همان: ۷۹/۲) آمده، با استفاده از آیه ﴿قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...﴾ (تحریم/ ۶) حدیث را بر صورتی که نوحه‌سرایی از سنت و سیره میت باشد و خود وی آن را بنا نهاده باشد، حمل می‌کند.

ز. تعمیم آیه به غیر مورد آن

آیه ﴿وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا...﴾ (نور/ ۴). در ادامه حکم قاذف آمده است که شهادت او پذیرفته نیست بخاری حکم به عدم قبول شهادت را به سارق و زانی تعمیم داده است (ر.ک: همان: ۱۵۰/۳).

ح. گردآوری آیات در یک موضوع

نمونه اول: بخاری در «باب حکم المرتد والمرتدة» (همان: ۴۹/۸) پس از اشاره به دیدگاه ابن عمر، زهری و ابراهیم مبنی بر کشتن افراد مرتد و توبه دادن آنان، چهارده آیه از

آیات قرآن (آل عمران/ ۸۶-۹۰ و ۱۰۰؛ نساء/ ۱۳۷؛ مائده/ ۵۴؛ نحل/ ۱۰۶-۱۱۰؛ بقره/ ۲۱۷) را ذکر می‌کند که شاید بتوان گفت نسبت به کتب گوناگون آیات الاحکام بیشترین آیات را آورده است؛ در حالی که برای مثال ابن عربی در *احکام القرآن* (بی‌تا: ۲۰۷/۱) و قطب راوندی در *فقه القرآن* (۱۴۰۵: ۲۰۳/۲) خویش تنها یک آیه را از بحث ارتداد آورده‌اند: ﴿ومن یرتد منکم عن دینہ فیمت وھو کافر﴾ (بقره/ ۲۱۷). در *احکام القرآن* شافعی (۱۴۰۰: ۲۹۷/۱) نیز به یک آیه اکتفا شده است: ﴿من کفر بالله من بعد ایمانہ إلا من أکره وقلبه مطمئن بالإیمان﴾ (نحل/ ۱۰۶) و محقق اردبیلی در *زبدۃ البیان* (بی‌تا: ۳۰۳) به طور ضمنی در بحث روافع نکاح به یک آیه (بقره/ ۲۱۷) اشاره کرده است و جصاص در *احکام القرآن* (۱۴۱۵: ۳۵۸/۲) خویش آیه ﴿ان الذین آمنوا ثم کفروا ثم آمنوا ثم کفروا﴾ (نساء/ ۱۳۷) را به همراه آیه ۷۲ از سوره آل عمران آورده است.

نمونه دوم: بخاری در باب «أکل المضطر» (۱۴۰۱: ۲۳۳/۶) شش آیه (بقره/ ۱۷۲-۱۷۳؛ مائده/ ۳؛ انعام/ ۱۱۸، ۱۱۹ و ۱۴۵) را که دلالت بر جواز تصرفات مضطر در محرمات شرعی (مردار، خون، ...) دارد، آورده است.

نمونه سوم: در باب «السحر» (همان: ۲۸/۷) پنج آیه از آیات مربوط به این موضوع (بقره/ ۱۰۲؛ طه/ ۶۶ و ۶۹؛ انبیاء/ ۳؛ فلق/ ۴) را آورده است و در پایان نفاثات را در سوره فلق به جادوگران تفسیر کرده است.

گفتار سوم: کاستیهای جامع بخاری

هرچند توجه بخاری به قرآن در قرن سوم برای خواننده موجب شگفتی است، ولی چند نکته یادکردنی است:

۱- توجه نکردن به آیه یا آیاتی که دلالت آن بر مطلب مورد نظر روشن تر و واضح تر از آیه یادشده در باب است. برای نمونه در «باب العلم قبل القول والعمل» چنانکه گذشت پنج آیه از قرآن کریم آورده است، اما از آیاتی که در آنها ۲۷ مرتبه امر به «اعلموا» به طور صریح آمده یاد نکرده است، همچنان که در لزوم طلب علم از احادیث صریح و روشن چون «طلب العلم فریضة» غفلت کرده است.

۲- غفلت از استفاده و بهره‌وری از احادیث ظریف و دقیق اهل بیت علیهم السلام در

برداشت لطیف از قرآن. برای نمونه بخاری در باب «مسح الرأس كله» (همان: ۵۴/۱) به فرازی از آیه «والمسحوا برؤوسكم» (مائده/ ۶) استدلال می‌کند و در ذیل آن حدیث عبدالله ابن زید را در کیفیت وضوی پیامبر ﷺ می‌آورد. همین موضوع در حدیث شریف کافی این گونه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

عن زرارة قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام: ألا تخبرني من أين علمت وقلت: إن المسح ببعض الرأس وبعض الرجلين؟ فضحك ثم قال: يا زرارة! قال: رسول الله صلى الله عليه وسلم ونزل به الكتاب من الله لأن الله تعالى يقول: «فاغسلوا وجوهكم» فعرنا أن الوجه كله ينبغي أن يغسل ثم قال: «وأيديكم إلى المرافق» ثم فصل بين الكلام فقال: «والمسحوا برؤوسكم» فعرنا حين قال: «برؤوسكم» أن المسح ببعض الرأس لمكان الباء» (كليني، ۱۳۶۳: ۳۰/۳)؛ زرارہ گوید: به امام باقر عليه السلام گفتم: آیا به من نمی‌گویی از کجا دانستی که مسح به بخشی از سر و پاها (واجب است)؟ امام عليه السلام خندید، سپس فرمود: ای زرارہ رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود و قرآن در این باره نازل شد، زیرا خداوند تعالى می‌گوید: صورتهايتان را بشويد، فهميديم که تمام صورت شايسته است شسته شود، سپس فرمود: دستهايتان را تا آرنج، پس از آن سخن را عوض کرد و فرمود: به سرهايتان مسح کنید، از اينکه فرمود به سرهايتان، شناختيم که مسح به خاطر لفظ «باء» اختصاص به بخشی از سر دارد.

یا در باب فضل نماز از کتاب شریف کافی در حدیثی آمده است:

أقرب ما يكون العبد من الله تعالى وهو ساجد (همان: ۲۶۵/۳)؛ نزدیک‌ترین حالت بنده به پروردگار تعالى هنگام سجده است.

و به آیه آخر سوره علق «واسجدواقرب» استشهاد شده است؛ در حالی که این آیه در جامع بخاری اصلاً مطرح نشده است.

مورد دیگر اینکه در احادیث امامیه درباره وقت نماز به آیه «أقم الصلاة لعلوک الشمس» استشهاد شده است (همان: ۲۷۱/۳)، در حالی که در جامع بخاری با آنکه کتابی به عنوان «مواقیت الصلاة» دارد از تمسک به این آیه خبری نیست.

۳- ذکر آیات به صورت ناقص و بدون هیچ‌گونه توضیح. مثلاً در باب «العدل بین النساء» تنها به ذکر بخشی از آیه ۱۳۳ سوره نساء اکتفا می‌کند بی‌آنکه توضیحی بدهد یا اشاره‌ای به تعارض ابتدایی بین این آیه و آیه ۳ سوره بنماید یا حدیثی در این باب بیاورد.

کتاب شناسی

۱. ابن عربی، احکام القرآن، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر، بی تا.
۲. اردبیلی، احمد، زبدة البیان، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية، بی تا.
۳. همو، مجمع الفائده و البرهان، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۴. اندلسی، ابن عطیه، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۶. جصاص، احمد بن علی رازی، احکام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۷. حاجی خلیفه، کشف الظنون، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۸. حلّی، حسن بن یوسف بن المطهر، تذکرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۹. همو، مختلف الشیعه، چاپ دوم، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۰. راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن، چاپ دوم، قم، مكتبة آية الله العظمى النجفی المرعشی، ۱۴۰۵ ق.
۱۱. شافعی، محمد بن ادريس، احکام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۰ ق.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. همو، الخلاف، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، چاپ پنجم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۱۶. نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام، چاپ دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۷. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.